

صبحی مادری برای بیدار کردن پسرش رفت.

مادر: پسرم بلند شو. وقت رفتن به مدرسه است.

پسر: اما چرا مامان؟ من نمی خوام برم مدرسه.

مادر: دو دلیل به من بگو که نمی خوای بری مدرسه.

پسر: یک که همه بچه ها از من بدشون می یاد. دو همه معلم ها از من بدشون می یاد.

مادر: آه خدای من! این که دلیل نمی شه. زود باش تو باید بری به مدرسه. پسر: مامان دو دلیل برام بیار که من

باید برم مدرسه؟

مادر: یک اینکه تو الآن پنجاه و دو سالت.

دوم اینکه تو مدیر مدرسه هستی!!